

به نام خدا

پرسش و پاسخ درس به درس فارسی (۳)
 برای آمادگی در امتحان نهایی فارسی
 گروه زبان و ادبیات فارسی منطقه آبادان

پرسش های درس اول «شکر نعمت»

قلمرو زبانی

۱. با توجه به عبارت « تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.»

الف. منظور از تربیت چیست؟
 ب. مرجع ضمیر «ش» به چه کسی بر می گردد؟

۲. در مصراع « از دست و زبان که بر آید » ، « که » چه نقش دستوری دارد؟

۳- معنی لغات مشخص شده را بنویسید:

عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده - واصفان حلیه ی جمالش

۴- معنای هر واژه را به واژه مربوط وصل کنید . از ردیف (ب) یک مورد اضافی است.

ب		الف
مفرح		دارای نشان پیامبری
انابت		شادی بخش
وسیم		قطع کردن مقرری
وظیفه بریدن		به خدای تعالی بازگشتن
قدوم		

۵- در گزینه های زیر فعل به قرینه معنوی حذف شده یا لفظی؟

الف- طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

ب- بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

۶- در ترکیب های زیر ۲ غلط املائی وجود دارد صحیح آن ها را بنویسید:

تقصیر عبادت - آکفان کعبه - بحر مکاشفت - صفوت آدمیان - دست عنابت - شهد فایق

قلمرو ادبی

۱. در بیت زیر دو آرایه ی ادبی مشخص کنید:

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان.

۲. با توجه به عبارت « بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.» ، « دامنم از دست برفت » کنایه از چیست؟

۳- در عبارت « یکی از صاحب دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.» ، « سر به جیب مراقبت فرو بردن.» کنایه از چیست؟

قلمرو فکری

عبارات زیر را به نثر روان امروزی برگردانید:

۱. عصاره ی تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.
۲. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگفته
۳. تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.
۴. پرده ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه ی روزی به خطای منکر نبرد.
۵. هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون بر می آید مفرح ذات .
۶. بازش بخواند باز اعراض کند.
۷. شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاد.
۸. منت خدای را عز و جلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت
۱۷. به خاطر داشتیم که چون به درخت گل رسم دامنی پر کنم هدیه ی اصحاب را چون برسیدم ، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.
۱۰. هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است.
۱۱. یکی از صاحب دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.
۱۲. دایه ی ابری بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.
۱۳. در خیر است از صفوت آدمیان.
۱۴. اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاد.
۱۵. عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف.
۱۶. صفوت آدمیان و تنمه ی دور زمان.
۱۷. عصاره ی تاکی به قدرت او شهد فایق شده.
۱۸. منظور از « درخت گل » در عبارت زیر چیست؟
گفت : « به خاطر داشتیم که چون به درخت گل رسم دامنی پر کنم هدیه ی اصحاب را »
۱۹. عبارت « پرده ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.» بر کدام صفت پروردگار تأکید دارد؟
۲۰. در بیت « بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به در گاه خدای آورد» منظور از « تقصیر » چیست؟
۲۱. در بیت زیر مراد از « مرغ سحر» و « پروانه» چیست؟
ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد.
۲۲. در عبارت زیر سعدی به کدام صفات خداوند اشاره می کند؟
خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده، پرده ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.
۲۳. در عبارت « فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده.» مقصود از « فرش زمردین » چیست؟
۲۴. با توجه به عبارت « وظیفه ی روزی به خطای منکر نبرد» :
الف. عبارت به کدام صفت خداوند اشاره دارد؟
ب. منظور از « وظیفه ی روزی » چیست؟
۲۵. کدام گزینه مفهوم بیت « ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد» را بیان می کند؟
الف. بیان عشق و شیدایی. ب. پاک باختگی و بی ادعایی ج. اتحاد و همیاری.

پاسخ پرسش های قلمرو زبانی

۱. پروراندن با دست قدرت الهی ، ب. خداوند.
۲. مضاف الیه. ۳- عصاره: شیره - تاک: درخت انگور ، رز / فایق : برگزیده / باسق : بلند
- ۴- دارای نشان پیامبری : وسیم // شادی بخش : مفرح // به خدای تعالی بازگشتن : انابت // قطع کردن مقرری : وظیفه بریدن
- ۵- الف : لفظی ب- معنوی ۶- عاکفان - انابت

پاسخ پرسش های قلمرو ادبی

۱. تلمیح ، مراعات نظیر ، تشبیه . ۲. اختیارم را از دست دادم. ۳- به حالت تأمل و تفکر عارفانه فرو رفتن

پاسخ پرسش های قلمرو فکری

۱. شیره ی درخت انگوری به قدرت خداوند به شیرینی برگزیده و خوبی تبدیل شد و هسته ی خرما با پرورش او (خداوند) به نخل بلندی تبدیل شد. ۲. به عنوان هدیه و تحفه ی عید نوروز بر تن درختان لباسی از برگ های سبز پوشانده است. ۳. بلند ۴. پرده ی آبروی بندگانش را به خاطر گناهان فاحش و قطعی آن ها نمی دَرَد (آبرویشان را نمی ریزد) و روزی مقرر شده را به خاطر خطاهای زشت انسان قطع نمی کند. ۵. هرگاه نفس را به داخل می کشیم باعث ادامه ی زندگی است و وقتی بیرون می آید باعث شادی جان می شود. ۶. روی برگرداندن. ۷. بهار. ۸. سپاس خداوند عزیز و بلند مرتبه را که اطاعت از او موجب نزدیکی به او می شود و شکر نعمت هایش باعث افزایش نعمت می شود. ۹. به یادم بود وقتی به درخت گل برای هدیه ی دوستان دامنم را پر از گل کنم وقتی رسیدم بوی گل چنان مرا مست کرد که اختیارم را از دست دادم. ۱۰. هر نفس که می کشیم ادامه دهنده ی زندگی است ۱۱. یکی از خدا شناسان به حالت تأمل و تفکر عارفانه فرو رفته بود ۱۲. به ابر بهاری که همچون دایه ای است دستور داده تا دختران گیاه را در گهواره زمین پرورش دهد. ۱۳. برگزیده و خالص از هر چیزی. ۱۴. بر سر شاخه های کوچک با رسیدن فصل بهار کلاهی از شکوفه گذاشته است. ۱۵. گوشه نشینان کعبه ی جلال الهی به کوتاهی کردن در عبادت اعتراف می کنند. ۱۶. برگزیده و خالص ۱۷. برگزیده تر ، برتر ۱۸. یار، جمال حق ، جلوه ای از جمال حق. ۱۹. ستار العیوب (پوشاننده ی عیب ها یا عیب پوشی) ۲۰. کوتاهی کردن در عبارت (گناه) ۲۱. مرغ سحر استعاره از کسانی که ادعای عشق دارند. پروانه : عاشق حقیقی. ۲۲. خداوند منعم و رزاق ، ستار العیوب. ۲۳. سبزه ها ۲۴. الف. رزاق بودن . ب. روزی ای که برای هر کس مقرر شده است. ۲۵. ب

پرسش های درس دوم

قلمرو زبانی

۱- معنای واژه های مشخص شده را بنویسید.

الف) گفت: « نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم»

ب) گفت: « تا داروغه را گوئیم، در مسجد بخواب»

ج) گفت: « باید حد زند هشیار مردم، مست را »

د) گفت: « والی از کجا در خانه خمار نیست؟ »

ه) محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت

۲- واژگانی که شکل نوشتاری آنها غلط آورده شده مشخص کرده و شکل صحیح آنها را بنویسید. ۱

الف) گفت: « در سر عقل باید، بی کلاهی آر نیست »

ب) گفت: « از بهر غرامت، جامعه ات بیرون گنم »

ج) گفت: « مسجد خابگاه مردم بدکار نیست »

د) گفت: « کار شرع ، کارِ دِرحم و دینار نیست »

قلمرو ادبی

۳- ابیات زیر را از نظر آرایه های ادبی کنایه، تضاد و تکرار بررسی کنید.

الف) گفت: « باید حد زند هشیار مردم، مست را » / گفت: « هشیار بیار، اینجا کسی هشیار نیست! »

ب) گفت: « مستی، زان سبب افتان و خیزان می روی » / گفت: « جُرم راه رفتن نیست، ره، هموار نیست » ۱

۴- نوع گفتگوی ابیات زیر از نظامی که شبیه سروده ی « مست و هشیار » پروین اعتصامی می باشد را بنویسید. ۵.

نخستین بار گفتش کز کجایی؟

بگفت از دار مُلکِ آشنایی

بگفت آن جا به صنعت در چه کوشند؟

بگفت انده خرد و جان فروشند

قلمرو فکری

۵- بیت: گفت: «دیناری بده پنهان خود را وارهان»/گفت: « کار شرع ، کارِ دِرهم و دینار نیست» به کدام موضوع اجتماعی

اشاره دارد؟ ۵.

۶- بیت زیر به کدام جنبه فرهنگی گذشته اشاره دارد؟

گفت: « آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه » / گفت: « در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست » ۵

۷- منظور از « حرف کم و بسیار » در مصراع دوم بیت زیر چیست؟

گفت: «می بسیار خوردی، زان چنین بی خود شدی» / گفت: « ای بیهوده گو، حرف کم و بسیار نیست! » ۵

۸- بیت زیر به رواج کدام عمل ناپسند در جامعه اشاره دارد؟

گفت: « می باید تو را تا خانه قاضی بَرَم » / گفت: « رو، صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست » ۵

پاسخ پرسش های درس دوم

۱- الف) حاکم، فرمانروا ب) پاسبان و نگهبان، شب گرد ج) کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم د) می

فروش ه) مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود.

۲- الف) آر: عار ب) جامعه: جامه ج) خابگاه: خوابگاه د) درحم: درهم

۳- الف: تضاد (مست و هشیار) ، تکرار (هشیار) ، کنایه (اینجا کسی هشیار نیست: غفلت و آلوده بودن جامعه) ب:

تضاد (افتادن و خیزان) ، تکرار (نیست) ، کنایه (هموار نبودن راه: رواج و گسترش فساد در جامعه)

۴- مناظره

۵- گسترش و رواج رشوه خواری در جامعه

۶- در قدیم بدون کلاه و دستار در بین مردم حضور پیدا کردن، بی ادبی محسوب می شد.

۷- یعنی بحث میزان و اندازه حرام و گناه نیست چرا که حرام، حرام است چه بیشتر چه کمتر.

۸- بی توجه بودن مسئولان و کارگزاران به مسائل جامعه

پرسش های درس سوم

قلمرو زبانی

۱- در بیت «هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت»

«هرگز» و «آری» قید هستند؟ /۵ درست نادرست

۲- در مصرع «زاشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است» نقش «ش» مضاف الیه است.

درست نادرست /۵

۳- در بیت زیر کدام ارکان جمله حذف شده، آن را بیابید و نوع حذف را مشخص کنید؟

«جامه ای کو نشود غرقه به خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است» ۱

۴- در بیت زیر «نهاد» را مشخص کنید؟ «در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هر کس که فکر جامه را محترم نداشت»

۵- واژه های ستون «الف» را به واژه های مرتبط ستون «ب» وصل کنید (در ستون «ب» یک مورد اضافی است) ۱

«الف»	«ب»
۱. ماتمکده	الف) اجانب
۲. دارای اراده قوی	ب) مسلک
۳. روش	پ) ثابت قدم
	ت) بیت الحزن

۶- معنا و مفهوم بیت «در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتی که مردک صاحب قلم نداشت» را به نثر روان در آورید. ۱

قلمرو ادبی

۱- در بیت «نالہ مرغ اسیر این همه بهر وطن است مسلک مرغ گرفتار وطن همچو من است»

دو مورد از آرایه های ادبی موجود در بیت را بیابید و بنویسید؟ ۱

۲- در بیت زیر دو مورد کنایه وجود دارد، آنها را بیابید و مفهوم آنها را بنویسید؟

۱ «جامه ای کو نشود غرقه به خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است»

۳- در بیت «هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت»

الف) مجاز را بیابید مفهوم آنرا بنویسید؟ ۱ ب) در بیت بالا دو آرایه ادبی دیگر نیز پیدا کنید؟ ۱

۴- با توجه به بیت زیر به پرسش ها پاسخ دهید؟

«با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشیدجم نداشت»

الف) جام تهی بودن کنایه از است.

ب) در بیت بالا آرایه جناس را بیابید و نوع آن را بنویسید؟ ۱

۵- در بیت «همت از باد سحر می طلبم گر ببرد خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است»
الف) «باد» نماد چیست؟ /۵

ب) در مصرع دوم کنایه را بیابید و مفهوم آن را بنویسید؟ ۱

پ) در بیت بالا آرایه تشخیص را مشخص کنید؟ /۵

قلمرو فکری

۶- مفهوم بیت زیر را بنویسید؟

۱ «در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت»

۷- بیت زیر به چه چیزی اشاره دارد؟

۱ «خانه ای کو شود از دست اجانب آباد زاشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است»

۸- شاعر در بیت زیر علت غمگین نبودن خود را در چه می داند؟

۱ «هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری نداشت غم که غم و بیش و کم نداشت»

۹- در بیت «نالہ مرغ اسیر این همه بهر وطن است مسلک مرغ گرفتار وطن همچو من است»

منظور از «مرغ اسیر» کیست؟ /۵

۱۰- مقصود از «مردم صاحب قلم» در بیت زیر چیست؟

۱ «در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر دفتری که مردم صاحب قلم نداشت»

۱۱- فرخی یزدی در بیت زیر خود را با کدام ویژگی ها معرفی می کند؟

۱ «انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی چون فرخی ، موافق ثابت قدم نداشت» /۵

پاسخ پرسش های درس سوم

قلمرو زبانی

۱- درست /۵ ۲- نادرست /۵

۳- آن جامه /۵ حذف به قرینه لفظی /۵

۴- هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت /۵

۵- ماتمکده = ت(بیت الحزن) /۵ ۲- دارای ارده قوی = پ(ثابت قدم) /۵ ۳- روش = ب(مسلک) /۵

۶- هر ملتی که هنرمند نداشته باشد (۱/۵) خیلی زود نام آوازه اش از روزگار محو خواهد شد(۱/۵)

«پاسخ قلمرو ادبی»

۱- تکرار در واژه «مرغ» - تشبیه (مصرع دوم) - مرغ اسیر = استعاره از شاعر قفس = استعاره از زندان (ذکر دو مورد، هر مورد) ۱

۲- مصرع اول کنایه از کشته و شهید شدن /۵ «کم از کفن بودن» کنایه از بی ارزش بودن /۵

۳- الف) دل ، مجازاز وجود (۱) ب) تشخیص در دل - تکرار = غم ، تضاد = کم و بیش (ذکر دو مورد) (۱)

۴- الف) کنایه از بدون خوشی بودن (یا هر پاسخی نظیر این مفهوم) (۱) ب) جام - جم (۱/۵) جناس ناقص افزایشی. (۵)

۵- الف) نماد پیام رسانی (۱/۵) ب) رفیقی که به طرف چمن است: کنایه از آزاد بودن (۱) پ) باد سحر(۱/۵)

پاسخ قلمرو فکری

۶- احترام گذاشتن به اندیشه جامعه (۱)

۷- عدم وابستگی به بیگانگان (۱)

۸- چون شاعر غم و غصه کم و زیاد داشتن را نمی خورد و انسان قانعی بود. (۱)

۹- شاعریا عارف قزوینی (۵/)

۱۰- انسان های آگاه و روشنفکر (۱)

۱۱- موافق (۵/) ثابت قدم (۵/) عدالت خواه (۵/)

پرسش های درس پنجم

قلمرو زبانی

۱- در بیت زیر کدام ارکان جمله حذف شده، آن را بیابید و نوع حذف را مشخص کنید؟

«از سیم به سر یکی کله خود ز آهن به میان یکی کمر بند» ۱

۲- درست یا نادرست بودن واژگان داخل کمانک را مشخص کنید.

الف) تا واره‌ی از دم ستوران وین مردم نحس دیو مانند (نحس = شوم)

ب) چون گشت زمین ز جور گردون سرد وسیه خموش و آوند (آوند = نام درخت)

ج) بگرای چو ازدهای گرزه بخروش چو شیر ارغند (ارغند = خشمگین) ۷۵/

۳- بر اساس بیت «با شیر سپهر بسته پیمان/ با اختر سعد کرده پیوند» کدام عبارت در معنی «ستاره مشتری» به کار رفته است؟

۴- واژه های ستون «الف» را به واژه های مرتبط در ستون «ب» وصل کنید (در ستون «ب» یک مورد اضافی است)

«الف»	«ب»
۱- میراث	الف) معطل
۲. سریر	ب) نحس
۳. بد یمن	ج) اورنگ
	د) پس افکند

۵- در بیت «تو قلب فسرده زمینی از درد ورم نموده یک چند»

بین «درد، ورم» چه رابطه ای وجود دارد؟ ۵/

۶- مترادف «سفله» در بیت زیر چیست؟ ۵/

« در دناک است که در دام شغال افتد شیر / یا که محتاج فرومایه شود، مرد کریم»

۷- نقش «ت» در مصرع «تاچشم بشر نبیندت روی» چیست؟

قلمرو ادبی

۱- در بیت «تو قلب فسرده زمینی از درد، ورم نموده یک چند»، «قلب فسرده»

الف) کدام پایه تشبیه است؟ ۵/

ب) استعاره نوع دوم را مشخص کنید؟ ۵/

۲- با توجه به ابیات زیر به پرسشها پاسخ دهید:

«بر کش زسر این سپید معجر بنشین به یکی کبود اورند

تو مشت درش روزگاری از گردش قرن ها پس افکند

بگرای چو ازدهای گرزه بخروش چو شرزه شیر ارغند»

الف) در بیت اول «سپید معجر» استعاره از چیست؟/۵.

ب) در کدام بیت تشبیه دیده می شود؟/۵.

ج) در بیت سوم تکرار صامت باعث ایجاد آرایه شده است. ۱

د) «کبود اورند» استعاره از چیست؟/۵

۳- باتوجه به بیت «تادرد ورم فرو نشیند کافور بر آن ضماذ کردند»

«ورم» و «کافور» به ترتیب استعاره از چیست؟ ۱

۴. در بیت «بر کش زسر این سپید معجر بنشین به یکی کبود اورند»

یک عبارت کنایی بیابید و مفهوم آنرا بنویسید؟ ۱

۵- در بیت «پنهان مکن آتش درون را زین سوخته جان، شنو یکی پند» استعرا را بیابید و مفهوم آنرا بنویسید؟

۶- در کدام بیت آرایه حسن تعلیل وجود دارد؟/۵

الف) نی نی تو نه مشت روزگاری ای کوه نی ام زگفته خرسند

ب) تا درد ورم فرو نشیند کافور بر آن ضماذ کردند

قلمرو فکری

۱- در بیت «ای مادر سرسپید، بشنو این پند سیاه بختن فرزند»

منظور از «مادر سر سپید» و «سیاه بخت فرزند» چیست؟ ۱

۲- با توجه به بیت «تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر، چهر دل بند»

چرا دماوند چهره در ابر پنهان کرده است؟ ۱

۳- شاعر در بیت زیر مخاطب خود را به اجرای چه امری دعوت می کند؟

«پنهان مکن آتش درون را زین سوخته جان شنو یکی پند» ۱

۴- در بیت «تو مشت درشت روزگاری از گردش قرن ها پس افکند»

منظور از مصرع دوم چیست؟ ۱

۵- در بیت «نی نی تو نه مشت روزگاری ای کوه نی ام زگفته خرسند» چرا شاعر از تشبیه دماوند به مشت روزگار

ناخرسند است؟ ۱

۶- بیت های زیر را به نثر روان بنویسید؟

الف) ای مشت زمین بر آسمان شو بر وی بنواز ضربتی چند

ب) تا درد ورم فرو نشیند کافور بر آن ضماذ کردند ۲

۷- چرا شاعر خطاب به «دماوند» چنین می گوید؟

«تو قلب فسرده زمینی از درد، ورم نموده یک چند» ۱

پرسش های درس ششم

قلمرو زبانی

۱- هر یک از لغات مشخص شده زیر را معنی کنید

الف) در نفیرم مرد و زن نالیده اند (ب) تن زجان و جان زتن مستور نیست

پاسخ : الف) زاری به صدای بلند (ب) پوشیده، پنهان

۲- باتوجه به بیت « هر که جز ماهی ز آبش سیر شد/ هر بی روزی است، روزش دیر شد.»؛ « بی روزی» و « دیر شدن روز» به ترتیب به چه معناست؟

پاسخ : بی بهره از عشق. ملول و خسته شد

۳- هر یک از توضیحات زیر معادل کدام واژه یا اصطلاح است؟

الف) پاره گوشتی که از درازا بریده شده باشد :..... (ب) میل قلب است به دیدار معشوق :.....

پاسخ : الف) شرحه (ب) اشتیاق

قلمرو ادبی:

۴- در کدام یک از ابیات زیر آرایه «اسلوب معادله» بکار رفته است؟ دلیل خود را بنویسید.

الف) سرّ من از ناله ی من دور نیست لیک چشم و گوش را آن نور نیست

ب) محرم این هوش جز بی هوش نیست مر زبان را مشتری جز گوش نیست

پاسخ : ب- هر یک از دو مصراع استقلال معنایی دارند و یکی از طرفین معادل و مصدق برای تایید مفهوم طرف دیگر است

۵- بیت زیر را از نظر کاربرد آرایه جناس تام (همسان) بررسی کنید .

آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد ، نیست باد

پاسخ : « نیست باد» در مصراع اول و دوم جناس تام دارد ، « نیست» در مصراع اول فعل و در مصراع دوم اسم است به

معنای « نابود باد» - « باد» در مصراع اول اسم و در مصراع دوم فعل دعایی است

۶- در بیت « کز نیستان تا مرا ببریده اند از نفیرم مرد و زن نالیده اند» استعاره رامشخص کرده و توضیح دهید

پاسخ : « نیستان» استعاره از عالم معنا

قلمرو فکری

۷- با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید:

« هر که جز ماهی ز آبش سیر شد هر بی روزی است، روزش دیر شد

در نیابد حال پخته هیچ خام پس سخن کوتاه باید ، والسّلام»

الف. منظور از « ماهی» چیست؟ ب. مصراع اول بیت دوم به چه معنا است؟

پاسخ : الف. عاشق واقعی. ب. آن که راه عشق نسپرده ، از حال عارف واصل بی خبر است.

۸- با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید :

« آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد نیست باد

نی حریف هر که از یاری برید پرده هایش پرده های ما درید»

الف. معنای « نیست باد» در مصراع اول و دوم را بنویسید

ب. واژه ی «حریف» در بیت دوم به چه معنی به کار رفته است؟

پاسخ : الف. در مصراع اول: تنها نفس و دمیدن نیست. در مصراع دوم: نیست و نابود شود. ب. همدم.

۹- با توجه به شعر زیر به سؤالات پاسخ دهید:

هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش
من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوش حالان شدم.

الف. منظور مولانا از « اصل خویش » چیست؟ ب. در بیت دوم منظور از « خوش حالان » چیست؟

پاسخ: الف. بازگشت به سوی حق. ب. خوش حالان رهروان راه حق اند که از سیر به سوی حق شادمان اند.

۱۰- تفاوت معنایی « پرده » را در بیت « نی حریف هر که از یاری برید / پرده هایش پرده های ما درید » بیان کنید.

پاسخ: پرده ی اول، صدا و نغمه ی نی اما پرده ی دوم حجاب یا پوششی است که راز ما را پنهان می کند.

پرسش های درس هفتم

قلمرو زبانی

۱- معنای واژه های مشخص شده را بنویسید

الف (عشق هر کسی را به خود راه ندهد و به همه جایی مأوا نکند

ب) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد (ج) تو عاشق و محبّ مایی و ما معشوق و حبیب توایم

پاسخ: الف) مأوا: مکان ب) سودا: خیال، دیوانگی، اشتیاق

ج) محبّ: دوستدار، عاشق - حبیب: یار، محبوب

2- معادل معنایی واژه «شیدایی» در کدام بیت آمده است؟ مشخص کنید

الف) در عالم پیر، هر کجا برنایی است عاشق بادا که عشق خوش سودایی است

ب) گفتم: به روزگاران مهری نشسته «گفتم» بیرون نمی توان کرد حتی به روزگاران

پاسخ: الف - سودایی

3- نقش دستوری واژه های مشخص شده را بنویسید

محبّت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند.

پاسخ: نهاد - مسند

قلمرو ادبی:

4- در بیت زیر قسمت های مشخص شده چه آرایه ای دارند؟

آئینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل لبخند گاه گاهت، صبح ستاره باران

پاسخ: آئینه نگاهت: تشبیه - صبح ستاره باران: تناقض

5- برای آرایه های «تشبیه، کنایه، جناس» از ابیات و عبارات زیر نمونه هایی را مشخص کنید:

الف) از جمله نام های حسن یکی «جمال» است و یکی «کمال»

ب) به عالم عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.

ج) در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند

پاسخ: کنایه: ترک خود کند - تشبیه: معرفت و عشق به نردبان تشبیه شده است - جناس: جمال و کمال

6- نام خالق آثار زیر را بنویسید.

الف) تهמידات: ب) فی حقیقه العشق: ج) مثل درخت در شب بارانی:

پاسخ: الف) عین القضاة همدانی ب) شهاب الدین سهروردی ج) شفیع کدکنی

قلمرو فکری :

۷- عبارات و اشعار زیر را به نثر روان بنویسید

الف) در عشق کسی قدم نهد کس جان نیست
باجان بودن به عشق درسامان نیست

ب) در عالم پیر، هر کجا برنایی است
عاشق بادا که عشق خوش سودایی است

پاسخ :

الف) بدر راه عشق کسی می تواند قدم بگذارد که جانش را نادیده بگیرد ؛ با جان بودن نمی توان در راه عشق حرکت کرد.
ب) در این دنیای کهن هر کجا که جوانی هست ؛ الهی که همیشه عاشق باشد چرا که عشق شوری بسیار زیبا است

8- درک و دریافت خود را از عبارت های زیر بنویسید.

الف) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل ها افزون آید .

پاسخ: برتری عشق بر عقل

9- با توجه به عبارات زیر به سوالات پاسخ دهید.

ای عزیز، پروانه، قوت از عشق آتش خورد، بی آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد تا آنگاه که آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند؛ چون به آتش رسد، خود را بر میان زند . خود نداند فرقی کردن میان آتش و غیر آتش، چرا ؟ زیرا که عشق، همه خود آتش است.

الف) پروانه نماد چیست ؟
ب) نویسنده عشق را با چه چیزی مقایسه کرده است ؟

پاسخ : الف (عاشق واقعی)
ب) آتش

10- درک و دریافت خویش را از جمله زیر بنویسید.

« سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل ها افزون آید . »

پاسخ : برتری عشق بر عقل

پرسش های درس هشتم

۱ - سه ممیز برای « وزن » نام ببرید ؟

۲ - ممیز « ظرف » چیست ؟

۳ - نوع وابسته وابسته ی گروه های زیر را بنویسید و نمودار آنها را رسم کنید ؟

الف : گیرایی سخن او
ب : اسیر این جهان

۴ - پنج ممیز به غیر از مثال های درس بنویسید .

۵ - بیت زیر را از نظر قلمرو ادبی بررسی کنید :

با خاک عجین آمد و از تاک عیان شد
خون دل شاهان که می اش نام نهادند

۶ - مفهوم و معنی بیت زیر را بنویسید .

صد تیر جفا بر سر و تن دید یکی چوب
تا شد تهی از خویش و نی اش نام نهادند

۷ - در باره واژه های مشخص شده بیت زیر تحقیق کنید و خلاصه آن را در چند سطر بنویسید .

آیین طریق از نفس پیر مغان یافت
آن خضر که فرخنده پی اش نام نهادند

۸ - نقش دستوری واژه های مشخص شده را بنویسید .

۹ - کدام واژه در متن درس با تلفظ محلی آمده است و مربوط به کدام شهر است ؟

۱۰ - املای واژه های زیر را با توجه به معنی آنها اصلاح کنید .

سباح (بامداد) - تبق (سینی گرد و بزرگ)

اجین آمدن (آمیخته شدن)

غایت الغصوی (حد نهایی چیزی)

پاسخ پرسش های درس هشتم

۱ - تُن - کیلوگرم - گرم

۲ - دست

۳ - گیرایی ~~بسخن~~ او
مضاف الیه مضاف الیه

اسیر این جهان
صفت مضاف الیه

۴ - جفت ممیز کفش، نفر ممیز شتر ، زنجیر ممیز فیل ، شانه ممیز تخم مرغ ، اصله ممیز نهال

۵ - جناس ناهمسان : خاک و تاک

مجاز : تاک (انگور) تناسب : تاک و می

خون دل : کنایه از ناراحتی حسن تعلیل : سرخی می از خون شاهان است

۶ - مفهوم : رنج و سختی مقدمه پیروزی و ارزشمندی است .

معنی: یک چوب ، ظلم و ستم های بسیاری را دید تا توانست از خود تهی شود و نام « نی » را بپذیرد.

۷ - پیر مغان : بزرگ مغان است ، پیر آرمانی حافظ است؛ پیشوایان دین زرتشتی را گویند

خضر : یکی از انبیا که موسی را ارشاد کرده ، به موجب روایات اسلامی وی یکی از جاویدان هاست .

۸ - پایتخت ایتالیا : بدل قدیمی : صفت مسند

۹ - چریغ تلفظ محلی « چراغ » نزد مردم سیرجان است .

۱۰ - صباح - طبق - عجین - غایت القصوی

پرسش های درس نهم

۱ - تحقیق کنید سفرنامه و حسب حال چه تفاوتی با هم دارند . نتیجه گزارش خود را در یک بند بنویسید .

۲ - منظور نویسنده از بند آخر درس کویر چیست ؟

۳ - واژه های نادرست املایی زیر را اصلاح کنید

الف) بهار حیاط علمی و اجتماعی اش

ب) مرهوم حاجی ملّا هادی اسرار

ج) فضای اصرار آمیز آن

د) بساط تحویه

۴ - مفهوم گزینه های زیر را بنویسید .

الف) گل های الماس شکفتند

- (ب) در این دریای سبز معلّقی که بر آن مرغان الماس پر ، از غیب سر می زنند .
- ۵ - گروه‌های اسمی جمله زیر را مشخص کنید
- چشمه آبی سرد که در تموز و سوزان کویر ، گویی از دل یخچال بزرگ بیرون می‌آید
- ۶ - برای موارد زیر از متن درس مثال بنویسید

تشبیه	
مجاز	
تشخیص	
تلمیح	

۷ - نمودار گروه‌های اسمی زیر را رسم کنید و قید صفت را بیابید

الف) کتاب بسیار ارزشمند

ب) رنگ سبز لجنی

۸ - واژه‌های زیر را با استفاده از رابطه ترادف بنویسید .

سموم - یغما - مدرس - اسرا

۹ - نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

شگفتا که نگاه‌های لوکس مردم آسفالت نشین شهر ، آن را کهکشان می‌بیند

۱۰ - واژه‌های وندی را بیابید و مشخص کنید.

سوزان - گمنام - جوینده - اسرارآمیز - نخلستان - مصلحت اندیش - اهورایی - عددبین

پاسخ پرسش های درس نهم

۱ - سفرنامه : ثبت دیده ها و شنیده‌ها و تجارت خود درباره مسائل گوناگون در طی سفر است .

حسب حال : گزارش نویسنده از زندگی و حالات و احساسات خویش است .

۲ - معنویت و رمز و راز عارفانه از بین رفته و به مادیات توجه می‌شود .

۳ - الف : حیات ب : مرحوم ج : اسرارآمیز د : تهویه

۴ - الف : ستارگان طلوع کردند

ب : ستارگان در آسمان آشکار می‌شدند

۵ - سه گروه اسمی الف : چشمه آبی سرد ب : تموز سوزان کویر ج : دل یخچال بزرگ

- ۶

تشبیه	چراغ علم - تابستان وصال
مجاز	دریای سبز معلق مجاز از آسمان
تشخیص	سینه کویر - شانه درختان
تلمیح	مزینان از هزار و صد سال پیش هنوز بر همان مهر و نشان است که بود . تلمیح به شعر حافظ گوهر مخزن اسرار همان است که بود

۷- کتاب بسیار ارزشمند بسیار « قید صفت » است

ب : رنگ سبز لجنی صفت صفت دارد « لجنی »

۸- سموم : باد بسیار گرم - یغما : غارت - مدرس : موضع درس گفتن - اسرا : در شب سیر کردن

۹- نگاه‌ها (نهاد) - آسفالت نشین (صفت)

شهر (مضاف الیه) - کهکشان (مسند)

۱۰- سوزان - جوینده - نخلستان - اهورایی

پرسش های درس دهم

قلمرو زبانی

واژگان

واژه های مشخص شده را معنی کنید.

۱- آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه های غم و درد

۲- بی آنکه زبان به کمتر داعیه ای گشاده باشم.

۳- گشاده دستی را از بوستان و پالیز بیاموز.

املا

۴- در میان گروه های زیر چه تعداد نادرستی املائی دیده می شود؟ تصحیح کنید.

« غم غربت - غرق غبار - بی تاب و بیقرار - داعیه و خواسته - سپاسگذاری و آفرین - زخمه سنگ - ایثار و بخشش - میراث

گذشتگان »

دانش های زبانی و دستوری

۵- در بیت زیر واژه ای بیابید که هم آوای آن در زبان فارسی وجود دارد.

دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ امروز خورشید در دشت، آئینه دار من و تو

۶- با توجه به سروده زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو

چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو

الف) انواع «و» (ربط، عطف) را مشخص کنید.

ب) مفعول فعل «سوخت» را نشان دهید.

قلمرو ادبی

۷- در بیت زیر کدام کلمات «نماد» هستند؟ مفهوم آنها را بنویسید.

آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه های غم و درد غیر از شب آیا چه میدید چشمان تار من و تو؟

۸- در بیت زیر جناس ناهمسان (ناقص) را نشان دهید.

دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ امروز خورشید در دشت، آئینه دار من و تو

۹- بند زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید.

تو اگر آن مایه کرامت را از مادر به میراث می داشتی، می بایست همانند با درختان بارور، بخشندگی و ایثار را سراپا دست باشی؛ سپاس خورشید را که به هر بامداد بر سر تو زرافشانی می کند.»
الف) «وجه شبه» را نشان دهید.

ب) منظور از «زر» چیست و چه آرایه ای پدید آورده است؟

قلمرو فکری

اشعار و عبارت های زیر را به نثر روان معنی کنید.

۱۰- دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو.

۱۱- دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ / امروز خورشید در دشت، آیینه دار من و تو

۱۲- چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم / من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو

۱۳- من از طبیعت آموختم که همانند با درختان بارور-بی آنکه زبان به کمتر داعیه ای گشاده باشم- سراسر ، کرامت باشم و سراپا گشاده دستی

۱۴- با هر تابستان با میوه های شیرین و سایه دل پذیر خستگان راه را میزبانی کریم باشی و پای فرسودگان آفتاب زده را نوازشگری ، درمان بخش دردها .

۱۵- با توجه به ابیات زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

- دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو

غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران / صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو

الف) منظور شاعر از «دیروز» و «امروز» چیست؟

ب) «غرق غباریم» چه مفهومی را می رساند؟

پ) «باران» اشاره به چه چیزی دارد؟

۱۶- مفهوم مشترک سروده های زیر چیست؟

- ز خورشید و از آب و از باد و خاک / نگردد تَبَه نام و گفتار پاک

- با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم / در باغ می ماند ای دوست، گل یادگار من و تو

۱۷- چه مضمون مشترکی در موارد زیر دیده می شود؟

- ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه / من گل به دستت میدهم، من آب و دانه / می کارمت در چشمها گل نقش امید/ می بارمت بر دیده ها باران خورشید

- دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ / امروز خورشید در دشت، آیینه دار من و تو

۱۸- در بیت زیر:

چون رود امیدوارم، بی تابم و بی قرارم / من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو

الف) «دریا» چه مفهومی را می رساند؟ / ب) مقصود نهایی مصراع دوم چیست؟

۱۹- هر یک از عبارت های زیر به چه چیزی توصیه می کند؟

الف) تیرانا! من از طبیعت آموختم که سراسر، کرامت باشم، بی هیچ گونه چشمداشتی به سپاسگزاری یا آفرین .

ب) نه همین مهربانی را به مهر، که پاداش هر زخمه سنگی را دستهای کریم تو، میوه ای چند شیرین ایثار کند.

پ) همینم از آفریدگار سپاسگزاری بس که بدین سعادت رهمنون بود تا هرگز فریب آزاده مردم را از خویشتن بتی نسازم.

پاسخ پرسش های درس دهم

- ۱- برزخ: حد فاصل میان دو چیز، زمان بین مرگ تا رفتن به بهشت تولید یا دوزخ، فاصله بین دنیا و آخرت
- ۲- داعیه: ادعا
- ۳- پالیز: باغ، بوستان
- ۴- یک نادرستی املائی وجود دارد. «سپاسگذاری» نادرست و شکل صحیح آن «سپاسگزاری» است.
- ۵- واژه غربت دارای هم اوای «قربت» است که معنای «نزدیکی» می دهد.
- ۶- الف) «برگ و بار»، «من و تو»: «و» عطف؛ «بی تابم و بی قرارم»: د بای در کشند «و» ربط
ب) «برگ و بار من و تو»: مفعول فعل «سوخت» روایت می کنم
- ۷- «برزخ سرد»: نماد محیط پر از ظلم پیش از انقلاب؛ «شب»: نماد ظلم و ستم
- ۸- «باغ» و «داغ»: جناس ناهمسان (ناقص)
- ۹- الف) سراپا بخشندگی و ایثار بودن
ب) منظور از «زر»، نور خورشید است و آرایه «استعاره» را پدید آورده است.
- ۱۰- ای دوست، اگر دیروز (قبل از انقلاب) غم حاصل زندگی ما را نابود کرده بود؛ اما امروز (زمان انقلاب)، امید رشد و شکوفایی در کشور دیده میشود.
- ۱۱- دیروز (قبل از انقلاب) با حس غربتی که در کشور بود، من اندوهی بزرگ در دل داشتم؛ اما امروز روشنی و امید در برابر ماست.
- ۱۲- مانند رودخانه ای که برای رسیدن به دریا امیدوار و بی قرار است، من نیز به دریای انقلاب که محل دیدارمان است، می پیوندم.
- ۱۳- من از طبیعت یاد گرفتم که مثل درختان میوه دار بدون اینکه کمترین خواسته ای را به زبان بیاورم - با تمام وجود، سخاوت و بخشندگی داشته باشم.
- ۱۴- در هر تابستان با میوه های شیرین و سایه آرام بخش برای خستگان، میزبانی بخشنده باشی و بتوانی برای مسافران آفتاب خورده، نوازشگری باشی که درد آن ها را تسکین می دهد.
- ۱۵- الف) «دیروز»: دوران پیش از انقلاب؛ «امروز»: دوران پس از انقلاب
ب) پر از اندوه هستیم. پ) فضای پاکی بخش انقلاب
- ۱۶- جاودانگی نیکی، پاکی و زیبایی
- ۱۷- ترک اندوه و امیدبخشی
- ۱۸- الف) انقلاب ب) پیوستن به جریان انقلاب
- ۱۹- الف) بخشندگی بدون انتظار قدردانی است
ب) نیکی کردن در برابر بدی دیگران صحیح آن «سپاسگزاری» است.
پ) سپاسگزاری از خداوند و آزادمرد بودن و فریب ندادن دیگران.

پرسش های درس یازدهم

قلمرو زبانی

واژه های مشخص شده را معنی کنید.

۱- دستتان را بر چشمهای درشتتان حمایل کرده بودید.

۲- از شامه قوی شما تشخیص بوی حمله، غریب نیست.

۳- شبخ شما را در تاریکی تعقیب می کردم.

۴- حزین ترین و عاشقانه ترین لحنی بود که شنیده بودم.

۵- معبّر تمام شد و وارد محوطه شدیم.

۶- بچه ها هم از دست آن ذّله شده بودند.

۷- انهدام تیربار، کار من بوده است.

۸- دوباره به من تشر زدید.

۹- در گروه کلمات زیر نادرستی های املایی را بیابید و تصحیح کنید.

« مُصر بودن - سراغ گرفتن - ثلث سوم - حمایل کردن - کز کردن - جذب دیدار - خبر قابل ارض - عجیب و قریب - طفره

رفتن - متقاعد کردن - دریغ داشتن - شبه و سایه - زمزمه لطیف - جُثّه آدم - حزین و عاشقانه - زمزمه کردن»

۱۰- هر یک از موارد زیر را بررسی کنید و در صورت داشتن نادرستی املایی، شکل صحیح واژه را در مقابل آن بنویسید.

الف) آنقدر نشستم تا نخاسته به خواب رفتم. سروصداها و هیاهو مرا از خواب پراند. (.....)

ب) صدای مهیب توپخانه، صدای کودکانه اما خشک کلاش را در خود حزم کرد. (.....)

پ) بچه ها هم که انگار از دست آن ذّله شده بودند، تکبیر گفتند. (.....)

ت) ماه آمده به دیدن خورشید صبح زود خورشید رفته است، سر شب، سراق ماه (.....)

ث) یک کربلا شکوه به چشم نهفته است ای روزه مجسم گودال قتلگاه (.....)

۱۱- روابط معنایی (تضاد، تناسب، تضمن) را در هر یک از موارد زیر بررسی کنید.

الف) تل و گودال ب) مسلسل و دوشکا پ) رگبار و تیربار

۱۲- با توجه به بند زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

« آفتاب، چشم هایتان را می زد؛ برای همین دستتان را بر چشمهای درشتتان که در نور آفتاب جمع شده بود، حمایل کرده

بودید، دست دیگرتان را هم به هنگام صحبت کردن تکان میدادید. نزدیک بود فریاد بزمن: آقای موسوی! من موحدی ام.

شاگرد شما».

الف) زمان فعل های جملات اول و دوم را مشخص کنید.

ب) یک ضمیر پیوسته و یک ضمیر گسسته بیابید و مرجع هر ضمیر را مشخص کنید.

پ) نقش دستوری قسمت مشخص شده چیست؟

قلمرو ادبی

۱۳- در هر یک از موارد زیر، قسمت مشخص شده چه آرایه ای دارد؟ مفهوم آن را بنویسید.

الف) معلوم است که دیدید ولی اینکه همان دم شناخته باشم، مطمئن نیستم.

ب) زمزمه لطیف و سبک و ملایم شما گمان مرا تأیید کرد.

پ) خورشید، بی حفاظ نشسته به روی خاک؟ یا ماه، بی ملاحظه افتاده بین راه؟

ت) شاهد نیاز نیست که در محضر آورند در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه

۱۴- مفهوم کنایه های زیر را بنویسید.

الف) گرم کردن دل ب) جگرخراش پ) در دست گرفتن

۱۵- با توجه به بیت:

لبریز زندگی است نفس های آخرت آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه

الف) کدام آرایه ادبی بر زیبایی مصراع اول افزوده است؟

ب) آرایه تشخیص را در این سروده نشان دهید.

قلمرو فکری

عبارات و اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.

۱۶- آفتاب، چشم هایتان را می زد.

۱۷- دلم را گرم کرد، از جا کنده شدم و به سمت شما دویدم.

۱۸- خبر قابل عرض نداشتم.

۱۹- گودالی که از کنجکاوای گلوله توپ در خاک فراهم آمده بوده

۲۰- آه این سر بریده ماه است در پگاه؟ یا نه سر بریده خورشید شامگاه؟

۲۱- شاهد نیاز نیست که در محضر آورند در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه

۲۲- یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است ای روضه مجسم گودال قتلگاه

۲۳- درباره ارتباط معنایی موارد زیر توضیح دهید.

الف) دیدم که از مچتان خون می ریزد. آن را در زیر بغل چپتان پنهان کردید؛ اول فکر کردم که پنهان کردید ولی وقتی دستتان را با خشونت از زیر بغل کشیدید و صورتتان بی اختیار مچاله شد، فهمیدم که دست را از مچ کنده اید، با چه قدرتی! با چه ایمانی!

ب) کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت با زخم، نشان سرفرازی نگرفت

پ) زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!

۲۴- چه مفهوم مشترکی در عبارت و سروده زیر دیده می شود؟

الف) مدیر را کلافه کردم بعد از رفتن شما. می گفت نمرات ثلث سوم را که داده اید، رفته اید آقا! احتمال میداد که جبهه

رفته باشید ولی یقین نداشت. من هم تا وقتی با چشم های خودم ندیدم که بر بالای تل خاکی ایستاده اید - چفیه بر

گردن و کلت بر کمر - و برای بچه ها صحبت می کنید، یقین نکردم.

ب) برای وصف میدان های پرمین برای وصف خال و زلف چین چین

نه در شیراز و نه در شهر گنجه «نظامی» میشوم در «قصر شیرین»

۲۵- سروده زیر با کدام عبارت مناسبت دارد؟

هر سال چو نوبهار خرم بیدار شود ز خواب نوشین

تا باز کند به روی عالم دیباچه خاطرات شیرین

از لاله دهد به سبزه زیور ای دوست، مرا به خاطر آور!

الف) خودتان می دانید که من بیش از همه مُصرِ بودم در شنیدن حرفهای شما. همیشه این طور بوده.

ب) آن قدر جذب دیدار شما شده بودم که فراموش کردم برای رساندن پیغام به گردان شما آمده ام.

پ) قبل از اینکه بگویم: «آقای موسوی، من ...». شما آغوش گشودید و گفتید: «به به! سلام علیکم احمدجان موحدی!» تعجب کردم از اینکه اسم و فامیلم را هنوز از یاد نبرده اید.

ت) حالا دل خوشی ام به این است که هر روز صبح، گرد قاب عکستان را پاک کنم و خاطراتم را با شما مرور بکنم.
۲۶- با توجه به سروده زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید:

شاهد نیاز نیست که در محضر آورند در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه
دارد اسارت تو به زینب اشارتی از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه؟
از دوردست میرسد آیا کدام پیک؟ ای مُسَلِّمِ شرف، به کجا می کنی نگاه؟
الف) این سروده در وصف کیست؟

ب) مصرع دوم بیت اول به چه موضوعی اشاره می کند؟

پ) بیت دوم کدام ویژگی شخص موردنظر را بیان می کند؟

ت) بیت سوم چه خصلتی را می ستاید؟

پاسخ پرسش‌ها

۱- حمایل: نگهدارنده، محافظ

۲- شامه: حس بویایی / غریب: عجیب، شگفت آور

۳- شیخ: آنچه به صورت سیاهی به نظر می آید، سایه موهوم از کسی یا چیزی

۴- حزین: غم انگیز

۵- معبر: محل عبور، گذرگاه

۶- ذلّه: درمانده، خسته

۷- انهدام: ویران شدن، فرو ریختن

۸- تشر: سخنی که همراه با خشم، خشونت و اعتراض است و معمولاً به قصد ترساندن و تهدید کردن کسی گفته میشود.

۹- در گروه کلمات «خبر قابل ارض»، «عجیب و قریب» و «شبه و سایه» نادرستی املائی وجود دارد و شکل صحیح آنها به

صورت «خبر قابل عرض»، «عجیب و غریب» و «شبح و سایه» است.

۱۰- الف) «نخواست» : نخواستہ ب) «حزم» : هضم

پ) نادرستی املائی ندارد. ت) «سراق» : سراغ

ث) «روزه» : روضه

۱۱- الف) تضاد ب) تضمن پ) تناسب

۱۲- الف) «می زد»: ماضی استمراری؛ «شده بود»: ماضی بعید

ب) ضمیر پیوسته: «تان» در «چشمه‌ایتان» مرجع ضمیر: «آقای موسوی» ضمیر گسسته: «من»، مرجع ضمیر: «راوی

داستان» یا «موحدی» پ) بدل

۱۳- الف) «دم»: مجاز از لحظه

ب) «زمزمه لطیف»: حس آمیزی

پ) «خورشید»: استعاره از سر شهید

ت) «دادگاه عشق»: تشبیه («عشق»: مشبه؛ «دادگاه»: مشبه به

۱۴- الف) امیدوار کردن (ب) دردآور و اندوهبار (پ) بر عهده گرفتن

۱۵- الف) متناقض نما (پارادوکس) (ب) «پناه آوردن مرگ»: تشخیص

۱۶- نور خورشید چشم هایتان را اذیت می کرد.

۱۷- به من امید بخشید، به سرعت برخاستم و به طرف شما دویدم.

۱۸- خبری که ارزش گفتن داشته باشد، نداشتم.

۱۹- گودالی که از برخورد گلوله توپ در خاک ایجاد شده بود.

۲۰- آه، این سر بریده شده، مانند ماه در سحرگاه است یا مثل خورشید سرخ رنگ هنگام غروب است؟

۲۱- نیازی نیست در دادگاه عشق، برای تو شاهی بیاورند؛ زیرا رگ بریده گردنت بهترین گواه است.

۲۲- به اندازه کربلا در چشمت، بزرگی پنهان شده است؛ ای کسی که برای سوگواری بریده شدن سر امام حسین (ع) در گودال قتلگاه، نمونه ای آشکار هستی.

۲۳- هر دو توصیف کننده رزمندگان شجاعی است که جانبازی و فداکاری را افتخار میدانند و در دل، هیچ هراسی از مرگ ندارند.

۲۴- رهاکردن وابستگی ها و رو کردن به مبارزه با دشمن و رفتن به جبهه های جنگ

۲۵- گزینه «ت»

۲۶- الف) شهید محسن حججی (ب) سربریده بودن شهید

(پ) اسیر داعش شدن (ت) حفظ شرافت با فداکاری

۲۷- خورشید، بی حفاظ نشسته به روی خاک؟ یاماه بی ملاحظه افتاده بین راه؟

۲۸- ماه آمده به دیدن خورشید، صبح زود خورشید رفته است، سر شب، سراغ ماه

۲۹- ترسم تو را ببیند و شرمندگی کشد یوسف، بگو که هیچ نیاید برون ز چاه

۳۰- شاهد نیاز نیست که در محضر آورند در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه

۳۱- دارد اسارت تو به زینب اشارتی از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه؟

۳۲- لبریز زندگی است نفس های آخرت آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه

۳۳- یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است ای روضه مجسم گودال قتلگاه

پرسش های درس دوازدهم

قلمرو زبانی:

۱- کلمه‌ی مشخص شده در مصراع «هیون آرد از دشت صدکاروان» به چه معنی است؟

۲- «غو» در مصراع «چو او را بدیدند برخاست غو» یعنی ... :

۳- «خست» در مصراع «همی ریخت آب و همی خست روی» یعنی ... :

۴- کلمه‌ی مشخص شده در مصراع «چنین گفت موبد به شاه جهان» به چه معنی است؟

۵- غلط های املائی متن زیر را بیابید و اصلاح کنید.

یکی از ملوک عجم حکایت کنند که دست تناول به مال رعیت دراز کرده بود و جور اذیت آغاز کرده تا جایی که خلق از مکاید

فعلش به جهان برفتند و از گُربت جورش راه قربت گرفتند. باری به مجلس او در ، کتاب شاهنامه همی خواندند در ذوال

مملکت ضحاک و عهد فریدون . وزیر ملک را پرسید : « هیچ توان دانستن که فریدون که گنج و ملک هشتم نداشت ، چگونه بر او مملکت مقرر شد؟ » گفت : « آن چنان که شنیدی خلقی بر او به تعصب گرد آمدند و تقویت کردند و پادشاهی یافت. »

پاسخ پرسش های قلمرو زبانی

- ۱- شتر به ویژه شتر قوی هیکل و درشت اندام ۲- فریاد ، بانگ خروش ۳- خستن : زخمی کردن ، مجروح کردن
۴- روحانی زرتشتی ۵- تطاول - غربت - زوال - حشم

قلمرو ادبی:

- ۶- بیت «همی کند سودابه از خشم موی / همی ریخت آب و همی خست روی» کدام آرایه‌ها را دارد؟
۷- یک آرایه ادبی برای مصرع دوم بنویسید. « یکی تازی ای برنشسته سیاه همی خاک نعلش برآمد به ماه » سال ۸۸
۸- آرایه مشترک دو مصرع زیر را مشخص کنید.

الف) زمین گشت روشن تر از آسمان ب) همی خاک نعلش برآمد به ماه
۹- مفهوم کنایه ها را در ابیات زیر بنویسید.

الف) چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی ب) باید زدن سنگ را بر سبو
ب) همان به کزین زشت کردار ، دل بشویم کنم چاره دل غسل
۱۰- هر یک از ابیات زیر بیانگر کدام یک از زمینه های حماسه است؟

الف) چنان آمد اسپ و قبای سوار که گفتمی سمن داشت اندر کنار
ب) اگر کوه آتش بود بسپرم ازین تنگ خوار است اگر بگذرم

۱۱- مصرع دوم بیت زیر بیانگر کدام ویژگی حماسی است؟

« چو بخشایش پاک یزدان بود دم آتش و آب یکسان بود »

پاسخ پرسش های قلمرو ادبی:

۶- کنایه، جناس، مراعات نظیر

- ۷- اغراق - ماه مجاز از آسمان - خاک نعلش برآمد به ماه : کنایه از سرعت زیاد (یک مورد کافیست)
۸- کنایه

۹- الف) سنگ بر سبو زدن کنایه از آزمایش و امتحان

ب) دل شستن کنایه از صرف نظر کردن ، رهاندن

۱۰- الف) خرق عادت ب) قهرمانی

۱۱- خرق عادت

قلمرو فکری :

۱۲- مفهوم اصلی مصرع اول را بنویسید.

«سراسر همه دشت بریان شدند بر آن چهر خندان گریان شدند»

۱۳- مفهوم مصراع « که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار » چیست؟

۱۴- باتوجه به بیت «سَر پَر زشرم و حیایی مراست اگر بی گناهم رهایی مراست » سیاوش رهایی خود را در چه می داند؟

۱۵- «به گفتن نشاندن» در مصراع «همی با سیاوش به گفتن نشانند» ؛ یعنی ... :

۱۶- «سیاوش را کرد باید درست» ؛ یعنی ... :

- ۱۷- در بیت «به صدکاروان اشتر سرخ موی / همی هیزم آورد پرخاش جوی» پرخاش جوی کیست؟
- ۱۸- در بیت « فرود آمد از اسب کاووس شاه پیاده سپهبد ، پیاده سپاه » منظور از سپهبد چه کسی است؟
- ۱۹- در بیت « مگر آتش تیز پیدا کند گنه کرده را زود رسوا کند » واژه «مگر» به چه معنایی به کار رفته است؟
- ۲۰- باتوجه به بیت « چو او را بدیدند برخاست غو که آمد ز آتش برون شاه نو » منظور از «شاه نو» چه کسی است؟
- ۲۱- «موبد» در مصراع «چنین گفت موبد به شاه جهان ... » چه کسی است؟
- ۲۲- در بیت «مگر کاتش تیز پیدا کند / گنه کرده را زود رسوا کند» اعتقاد بر این است که ...
- ۲۳- « بدان گه که شد پیش کاووس باز فرو آمد از باره ، بردش نماز » ؛ نماز بردن یعنی ... :

قلمرو فکری :

- ۱۲- همه مردم غمگین شدند ۱۳- آتش دوزخ در برابر این سخن (تهمت) برای من ناچیز و بی ارزش است. ۱۴- در اثبات بی گناهی ۱۵- روبه رو کردن ۱۶- باید سیاوش را اصلاح و تنبیه کرد. ۱۷- کی کاووس ۱۸- کاووس ۱۹- شاید (امید است) ۲۰- سیاوش ۲۱- روحانی مشاور در امور سلطنت ۲۲- بی گناهان در آتش نمی سوزند. ۲۳- تعظیم و ستایش کردن .

پرسش های درس سیزدهم

قلمرو زبانی

- ۱- معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.
- الف) این عیار مهر و کین مرد و نامرد است. (ب) سورت سرمای دی بیدادها می کرد.
- ج) با صدایی مرتعش ، لحنی رجزمانند (د) چوب دستی منتشا مانند در دستش
- ه) آن هریوه ی خوب و پاک آیین- روایت کرد.
- ۲- نقش دستوری واژگان مشخص شده را بنویسید.
- ناگهان انگار بر لب آن چاه سایه ای را دید او شغاد ، آن نابردار بود.
- ۳- با توجه به شعر زیر ، به سؤالات داده شده پاسخ دهید:
- « بعد چندی که گشودش چشم / رخس خود را دید/ بس که خونش رفته بود از تن.»
- الف. « ش » در گشودش ، « مضاف الیه » کدام واژه است؟
- ب. مرجع ضمیر « ش » در واژه ی خونش چیست؟

قلمرو ادبی:

- ۴- در شعر زیر ، به ترتیب، « مشبه » و « مشبه به » را مشخص کنید.
- ۵- در شعر زیر ادات تشبیه را مشخص کنید.
- « همگنان خاموش / گرد بر گردش ، به کردار صدف بر گرد مروارید / پای تا سر گوش »
- « قهوه خانه گرم و روشن بود، هم چون شرم...»
- ۶- با توجه به شعر زیر ، به پرسش ها پاسخ دهید:

« مرد نقال - آن صدایش گرم ، نایش گرم / آن سکوتش ساکت و گیرا / و دَمش ، چونان حدیث آشنایش گرم - راه می رفت و سخن می گفت.»

الف) شاعر صدای گرم و گیرای نقال را به چه چیزی تشبیه کرده است؟

ب) منظور از « حدیث آشنا » چیست؟

۷- در مصراع « او شغاد ، آن نابردار بود » یک ایهام وجود دارد ، آن را بیابید و معانی مختلف آن را بنویسید.

۸- عبارت های مشخص شده در هر یک از اشعار زیر از نظر آرایه های ادبی چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

الف) این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج او گم شد.

ب) آن که هرگز - چون کلید گنج مروارید - / گم نمی شد از لبش لبخند

قلمرو فکری:

۸- این عیار مهر و کین مرد و نامرد است. (معنی)

۹- مرد نقال از صدایش ضجه می بارید/ و نگاهش مثل خنجر بود. (معنی).

۱۰- سورت سرمای دی بیداد ها می کرد (معنی).

۱۱- همگنان را خون گرمی بود (معنی).

۱۲- آری اکنون تهمتن با رخس غیرت مند / در بُن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان ، گم بود (معنی).

۱۳- همگنان خاموش / گرد بر گردش ، به کردار صدف برگرد مروارید/ پای تا سر گوش (معنی).

۱۴- این نخستین بار شاید بود/ کان کلید گنج مروارید او گم شد. (معنی)

۱۵- شیر مرد عرصه ی ناورد های هول. (معنی)

۱۶- با توجه به شعر زیر به سؤالات پاسخ دهید:

« رخس را می دید و می پایید/ رخس، آن طاق عزیز، آن تایی بی همتا/ رخس رخشند/ با هزاران یاد های روشن و زنده.»

الف. « طاق » به چه معناست؟ ب. منظور از « هزاران روشن و زنده » چیست؟ ج. در متن بالا یک حس آمیزی بیابید.

۱۷- در مصراع « کان کلید گنج مروارید او گم شد.» منظور از «کلید گنج مروارید » چیست؟

۱۸- با توجه به شعر: « قصه است این ، قصه، آری قصه ی درد است/ شعر نیست/ این عیار مهر و کین و مرد و نامرد است/ بی

عیار و شعر محض خوب و خالی نیست» شاعر چه تفاوتی بین شعر خود و دیگر سروده ها قائل شده است؟

۱۹- منظور از « خوان هشتم» در شعر زیر چیست؟

« پهلوان هفت خوان ، اکنون / طعمه ی دام و دهان خوان هشتم بود.»

۲۰- با توجه به مصراع « گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید.» ، منظور از « صدف » و « مروارید » چه کسانی هستند؟

۲۱- براساس بیت « آری اکنون شیر ایران شهر / تهمتن گرد سجستانی» ، «تهمتن گرد سجستانی» لقب کیست؟

۲۲- عبارت زیر درست است یا نادرست؟

در شعر « سورت سرمای دی بیدادها می کرد/ و چه سرمای ، چه سرمای!» تکرار « چه سرمای چه سرمای » نشانه ی

تأکید بر ظلم است.

۲۳- بخش زیر از شعر «خوان ثالث» است . به دو پرسش بعدی پاسخ دهید.

« چاه غدر ناجوان مردان / چاه چونان ژرفی و پهناش ، بی شرمیش ناباور / و غم انگیز و شگفت آور »

الف- اشاره به چه موضوعی دارد؟

ب- چه چیزی را توصیف می کند؟

پاسخ پرسش های درس سیزدهم

- ۱- الف) ابزار و مبنای سنجش ، معیار
ب) تندى و تیزی ، حدت و شدت
ج) دارای ارتعاش ، لرزنده
د) نوعی عصا که از چوب گره دار ساخته می شود و معمولا درویشان و قلندران به دست می گیرند.
ه) هراتی (اهل هرات)
- ۲- ناگهان : قید - چاه : مضاف الیه _ سایه : مفعول - شغاد : مسند - نابردار : بدل
- ۳- الف. چشم. ب. تن (رخش)
- ۴- مشبه: قهوه خانه. مشبه به: شرم.
- ۵- به کردار
- ۶- الف: حدیث آشنا. ب: داستان های شاهنامه
- ۷- ایهام : نابردار ، الف) برادر ناجوانمرد ب) برادر ناتنی
- ۸- الف) استعاره ب) تشبیه (مشبه به)
- ۸- این شعر ابزار سنجش محبت و دشمنی / جوانمرد و ناجوانمرد است.
- ۹- در صدای مرد داستان گو غمی پنهان بود(بیان غمگینی داشت) و تند و تیز نگاه می کرد.
- ۱۰- تندى و شدت سرمای دی ماه بسیار بود(هوا خیلی سرد بود).
- ۱۱- همگی صمیمی بودند.
- ۱۲- آری اکنون رستم تنومند همراه اسب غیرت مند خود(رخس) در ته این چاه گرفتار شده بود. چاهی که در آن به جای آب، زهر شمشیر و نیزه بود.
- ۱۳- مردم همه ساکت بودند، هم چون صدفی که مروارید را در میان بگیرد، مرد نقال را در میان گرفته بودند، و به سخنان نقال با تمام وجود گوش می کردند.
- ۱۴- شاید این اولین بار بود که رستم لبخند نمی زد.
- ۱۵- رستم ، مرد شجاع میدان های نبرد هول انگیز.
- ۱۶- الف. تک (یکتا ، یگانه) ب. خاطرات روشن و به یاد ماندنی. ج. یاد های روشن.
- ۱۷- لبخند.
- ۱۸- شعر خود را فقط دارای ظاهر زیبا نمی داند بلکه محتوا و مفهوم آن را ارزشمند می داند.
- ۱۹- چاهی که رستم با رخس در میان آن افتاد.
- ۲۰- صدف: افراد داخل قهوه خانه. مروارید: نقال.
- ۲۱- رستم
- ۲۲- درست

۲۳- الف) گرفتار شدن رستم در چاه ب) بی شرمی حيله و نیرنگ

پرسش های درس چهاردهم

قلمرو زبانی:

معنی واژه های مشخص شده را بنویسید:

- ۱- جهان را گشته ام و از اکناف گیتی آگاهم
- ۲- پیشت آید هر زمانی صد تعب
- ۳- بعد از این وادی استغنا بود
- ۴- آن گاه بط با قبای سفید سر از آب بیرون کرد
- ۵- بیت زیر را مطابق زبان معیار مرتب کنید و نقش واژه های مشخص شد هرا بنویسید:
بعد از این وادی حیرت آیدت کار دایم درد و حسرت آیدت

قلمرو ادبی:

- ۶- تمثیل های زیر را از داستان منطق الطیر (سی مرغ و سیمرغ) رمزگشایی کنید:
الف) مرغان ب) سیمرغ
- ۷- بیت زیر را از نظر آرایه های ادبی بررسی کنید:
چون نگه کردند آن سی مرغ زود بی شک این سی مرغ ، آن سیمرغ بود
- ۸- تلمیح به کار رفته در بیت زیر را توضیح دهید:
طاووس باغ قدسم، نی بوم این خرابه آن جاست جلوه گاهم، این جا چه کار دارم؟

قلمرو فکری :

الف) اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید:

- ۹- حاکم خود را به جان فرمان کنیم نیک و بد هر چه او بگوید آن کنیم
- ۱۰- چون فرو آیی به وادی طلب پیشت آید هر زمانی صد تعب
- ۱۱- بیش از این بی شاه بودن راه نیست.
- ۱۲- نه بدو ره ، نه شکیبایی از او صد هزاران خلق سودایی از او
- ۱۳- من نی ام در عشق او مردانه ای عشق گنجم باید و ویرانه ای
ب) به سوالات زیر پاسخ دهید:
- ۱۴- مفهوم کلی بیت زیر را بنویسید:
« روی ها چون زین بیابان درکنند جمله سراز یک گریبان برکنند »
- ۱۵- در بیت زیر، مقصود از « دریا» و « شبنم » چیست؟
« چون به دریا می توانی راه یافت سوی یک شبنم چرا باید شتافت »
- ۱۶- در بیت « هشت جنت نیز این جا مرده ای است هفت دوزخ همچو یخ افسرده ای است » منظور از « هشت جنت » و « هفت دوزخ » چیست؟
- ۱۷- بیت « گر بسی بینی عدد، گر اندکی / آن یکی باشد در این ره در یکی » به کدام مرحله ی هفت وادی عطار اشاره دارد؟

۱۸- با توجه به بیت « بعد از این وادی توحید آیدت / منزل تفرید و تجزید آیدت » منزل « تفرید » در اصطلاح صوفیه چگونه منزلی است؟

۱۹- « داستان تمثیلی بلندی که عمده ترین اندیشه های عرفانی تا عصر عطار را در خود جای داده است » ، چه نام دارد؟

۲۰- بیت « گر بسی بینی عدد ، گر اندکی آن یکی باشد در این ره در یکی » اشاره به کدام وادی عرفان دارد؟

۲۱- عذر آوری مرغان در داستان « منطق الطیر » بیانگر چیست؟

۲۲- بیت « هر یکی بینا شود بر قدر خویش / باز یابد در حقیقت صدر خویش » به وادی « » از مراحل هفت گانه ی سیر و سلوک عطار اشاره دارد.

۲۳- عطار در بیت « چون فرو آیی به وادی طلب / پیشت آید هر زمانی صد تعب » وادی « طلب » را چگونه توصیف می کند؟

پاسخ پرسش های درس چهاردهم

۱- اطراف ۲- رنج و سختی ۳- بی نیازی ۴- مرغابی

۵- بعد از این برایت وادی حیرت آید. کارت دایم درد و حسرت آید/ وادی حیرت : نهاد / درد : مسند

۶- مرغان: سالکان راه حق سیمرغ: وجود حق تعالی

۷- سی مرغ و سی مرغ : تکرار / سی مرغ و سیمرغ : جناس همسان /زود و بود : جناس ناهمسان / سی مرغ : نماد انسان هایی که راه عرفان را تا پایان طی می کنند - سیمرغ : نماد وحدت و حق /

۸- شیطان با راهنمایی طاووس در تن مار پنهان شد و وارد بهشت شد و آدم و حوا را وسوسه کرد تا از درخت ممنوعه خوردند و از بهشت رانده شدند.

۹- با تمام وجود از حاکم خود فرمانبرداری می کنیم و هر فرمانی که او بدهد (چه خوب ، چه بد) انجام می دهیم.

۱۰- وقتی به مرحله ی جست و جوی حقیقت برسی صدها رنج و سختی می بینی

۱۱- بیش از این بدون شاه بودن طبق رسم و قاعده نیست (درست نیست)

۱۲- نه به او می توان رسید و نه می توان دوری از او را تحمل کرد صدها هزار نفر در آرزوی رسیدن به او هستند.

۱۳- من در عشق او پایداری ندارم پس عشق گنج و ویرانه (خرابه) برایم کافی است

۱۴- اگر از این بیابان (توحید) بگذرند همه به وحدت و یگانگی می رسند

۱۵- دریا: حق تعالی شبنم: هر چه غیر از خدا

۱۶- به ترتیب هشت قسمت بهشت و درکات هفت گانه ی جهنم

۱۷- توحید (وادی پنجم)

۱۸- تحقق بنده است به حق ، به طوری که حق ، عین قوای بنده باشد

۱۹- منطق الطیر

۲۰- وادی توحید

۲۱- وابستگی هایی که انسان را از توجه به خدا و تلاش برای رسیدن به او باز می دارد.

۲۲- وادی سوم (معرفت)

۲۳- در وادی طلب ، رنج ها و سختی های زیادی به انسان روی می آورد.

پرسش های درس شانزدهم

قلمرو زبانی:

معنی واژه های مشخص شده را بنویسید:

- ۱- یک دست دیگر ظرف و اوزم عاریه بگیر.
- ۲- تک و پوزش کریه تر شده است.
- ۳- آثار شادی در وجناتش نمودار گردید.
- ۴- نت تخلص را از زواید می دانم
- ۵- دوباره مبهوت به سهراب نگاه می کردند.
- ۶- در میان گروه کلمات زیر املای ۲ واژه نادرست است ، صحیح آن ها را بنویسید.
« لوازم عاریه- استیصال و درماندگی - سپاسگزاری- صیغه بلّعت - چاره منحصر به فرد- غاز معهود- صله اراهم - صدای غرش تانک - خاک غلیض »

قلمرو ادبی:

- ۷- در عبارت «رتبه های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقدا خط بکش و بگذار سماق بکند» چند کنایه وجود دارد ؟ مفهوم کنایی آن ها بنویسید.
- ۸- در همه گزینه ها کنایه وجود دارد به جز گزینه
(۱) مابقی را نقدا خط بکش بگذار سماق بکند.
(۲) بارو دل به دریا زده و به دنبال من از اتاق بیرون آمد.
(۳) مهمان ها هم با او هم صدا شدند و دسته جمعی خواستار بردن غاز گردیدند.
(۴) در دل از تعریف کردن دیگران می رنجید . به نظرش می آمد که یک موشک را بیهوده از دست داده است.

قلمرو فکری :

الف) اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید:

- ۹- چنان محظوظ گردیده بود که جلو رفته جبهه شاعر را بوسید.
- ۱۰- قرار بود که هر کس اول ترفیع رتبه یافت به عنوان ولیمه کباب غاز صحیحی بدهد.
- ۱۱- آسمان جل و بی دست و پا و پخکه تا بخواهی بدریخت و بدقواره.
- ۱۲- به من دخی ندارد! ماشاءالله هفت قرآن به میان پسر عموی خودت است. هرگلی هست به سر خودت بزن.
(ب) به سوالات زیر پاسخ دهید:
- ۱۳- در داستان کباب غاز، عیال نویسنده می گوید: «محال است در میهمانی اول بعد از عروسی بگذارم از کسی چیز عاریه وارد این خانه بشود.» دلیل او چیست ؟
- ۱۴- در جمله: مشغول تماشا و ورنانداز این مخلوق کمیاب و شیء عجاب بودم. منظور از مخلوق کمیاب چیست؟
- ۱۵- در عبارت «پنج انگشت دعاگو به معیت مچ و کف و مایتعلق به بر روی صورت آقای استادی نقش بست» منظور از دعاگو و آقای استادی به ترتیب چه کسانی است ؟
- ۱۶- در عبارت « مهمان ها بدون تخلف تمام و کمال دورمیز حلقه زده و در صرف کردن صیغه ی بلّعت اهتمام تامی داشتند» چه حالتی از مهمان ها توصیف شده است؟

۱۷- منظور از «درزی ازل» در عبارت «گویی جامه ای بود که درزی ازل به قامت زیبای ایشان دوخته بود» کیست؟

پاسخ پرسش های درس شانزدهم

- ۱- امانت
- ۲- ظاهر شخص به ویژه سر و صورت
- ۳- رخسار ، چهره
- ۴- هر چیزی که جزء اصلی نباشد
- ۵- سرگردان ، حیرت زده
- ۶- صلهٔ ارحام - خاک غلیظ
- ۷- دو کنایه : در حال حاضر نادیده بگیر و انتظار بیهوده کشیدن
- ۸- گزینه چهار
- ۹- آن چنان شاد شده بود که پیش رفته ، پیشانی شاعر را بوسید.
- ۱۰- قرار بود هر کس اول مقامش بالا رفت به عنوان غذای مهمانی ، کباب غاز کاملی بدهد.
- ۱۱- فقیر و بی چیزی بی عرضه و بسیار زشت و بد ترکیب.
- ۱۲- به من ربطی ندارد ماشاءالله بلا به دور پسر عموی خودت است، هر کاری می کنی خودت انجام بده.
- ۱۳- شکوم ندارد وبچه ی اول می میرد.
- ۱۴- مصطفی
- ۱۵- نویسنده (جمال زاده)
- ۱۶- تلاش برای بلعیدن لقمه های پی در پی
- ۱۷- خداوند

پرسش های درس هفدهم

قلمرو زبانی

- ۱ - نشانهٔ « ان » را در مفاهیم « جمع ، شباهت و مکان » به کار ببرید.
- ۲ - در سرودهٔ زیر، نهاد جملهٔ آخر را بنویسید.
« از پس نبردی سخت بازمی گردم / با چشمانی خسته / که دنیا را دیده است / بی هیچ دگرگونی »
- ۳ - در بیت « مشو در پیچ و تاب رنج و غم، گم / به هر حالت تبسم کن تبسم » کدام نقش های تبعی وجود دارد؟ نشان دهید.
- ۴ - مفهوم نشانهٔ « ان » را در واژه های زیر بنویسید.
بامدادان (.....) گیلان (.....)
ماهان (.....) تابان (.....)

قلمرو ادبی

- ۱ - در سرودهٔ پابلونرودا، هر یک از واژه های زیر نماد چه هستند؟
نان (.....) هوا (.....) گل سرخ (.....) تاریکی (.....)
- ۲ - آرایهٔ مشترک بین دو سرودهٔ زیر را بنویسید.

« به پیش اهل دل، گنجی ست شادی که دستاورد بی رنجی ست شادی»

« و اگر دیدی، به ناگاه/خون من بر سنگ فرش خیابان جاری است/بخند؛ زیرا خنده تو/ برای دستان من/ شمشیری است آخته.»

۳- در بیت «چو گل هرجا که لبخند آفرینی/ به هر سو روکنی لبخند بینی» مشبه به و وجه شبه را بیابید.

قلمرو فکری

۱- ارتباط مفهومی دو بیت زیر را با این قسمت از سروده پابلونرودا بنویسید.

« عشق من، خنده تو/ در تاریک ترین لحظه ها می شکفتد/ خنده تو در پاییز/ درکناره دریا/ موج کف آلوده اش را/ باید بر فرازد.»

اگر خونین دلی از جور ایام « لب خندان بیاور چون لب جام »

به پیش اهل دل، گنجی ست شادی که دستاورد بی رنجی ست شادی

۲- مفهوم زیر با کدام مورد مرتبط است؟

«جلوه معشوق در سخت ترین لحظات غم عاشق»

الف) اگر خونین دلی از جور ایام «لب خندان بیاور چون لب جام»

ب) عشق من، خنده تو/ در تاریک ترین لحظه ها می شکفتد

۳- درک و دریافت خود را از متن زیر بنویسید.

« نان را، هوا را، روشنی را، بهار را،/ از من بگیر/ اما خنده ات را هرگز/ تا چشم از جهان نبندم. »

پاسخ پرسش های درس هفدهم

قلمرو زبانی

۱- مسافران ، کوهان، دیلمان

۲- چشمانی خسته

۳- غم: معطوف تبسم: تکرار

۴- بامدادان: زمان گیلان: مکان ماهان: شباهت تابان: صفت فاعلی

قلمرو ادبی

۱- نان: لوازم زندگی هوا: زندگی مادی گل سرخ: عشق تاریکی: ناامیدی

۲- تشبیه

۳- گل: مشبه به لبخند آفرینی: وجه شبه

قلمرو فکری

۱- لبخند و شادی ارزشمند استو به انسان نیرو و امید می بخشد.

۲- بیت ب

۳- عاشق فقط به معشوق توجه دارد نه چیز دیگر

پرسش های درس هجدهم

قلمرو زبانی

- ۱ - متن زیر را از نظر «حذف فعل» بررسی کنید و نوع حذف را بنویسید.
«چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن»
- ۲ - در گروه های اسمی زیر هسته و وابسته را مشخص کنید و نوع وابسته ها را بنویسید.
نخستین احساس عشق - سجایای ارزشمند تو
- ۳ - در متن زیر غلط های املایی و نگارشی را بیابید و شکل صحیح آن ها را بنویسید.
«چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن/ که بتواند عشق مرا یا سجایای تو را بازگو کند؟/ این گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می بیند/ نه توجهی به گردوغبار و جراحات پیری دارد/ و نه اهمیتی به چین و شکن های ناگزیر سالخورده گی می دهد،/ بلکه همواره عشق قدیم را موضوع سحیفه شعر خود می گرداند.»
- ۴ - در جمله زیر «مفعول و مسند» را مشخص کنید.
«همواره عشق قدیم را موضوع سحیفه شعر خود می گرداند.»

قلمرو ادبی

- ۱- در سروده زیر استعاره را بیابید.
و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: « که تو از آن منی و من از آن تو»،
درست مانند نخستین باری که نام تو را تلاوت کردم.
- ۲- در قسمت مشخص شده از سطر زیر چه آرایه هایی وجود دارد؟
همان جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش بدهند.

قلمرو فکری

- ۱ - تناسب مفهومی دو بیت زیر را بنویسید.
یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب کز هر زبان که می شنوم نامکرر است
حُسن در هر نظری جلوه دیگر دارد سخن تازه محال است مکرر گردد
- ۲ - کدام ویژگی عشق جاودانی در دو بیت وجود دارد؟
هرچند پیر و خسته دل و ناتوان شدم هر گه که یاد روی تو کردم جوان شدم
به بوی زلف تو از نو جوان شوم هر بار هزار بار تنم گر ز غصه پیر شود
- ۳ - کدام بیت در تقابل با عشق جاودانی است؟
الف) سر زلف تو نباشد، سر زلف دگری که برای دل ما قحط پریشانی نیست
ب) چون توانم که به پایان برم این دفتر از آنکصه عشق من و حسن تو را آخر نیست
- ۴ - درک و دریافت خود را از سروده زیر بنویسید.
هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم

و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی و من از آن تو»
درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.

پاسخ پرسش های درس هجدهم

قلمرو زبانی

- ۱- فعل «مانده است» حذف به قرینه لفظی
- ۲- نخستین: وابسته پیشین، صفت شمارشی احساس: هسته عشق وابسته پسین، مضاف الیه سجایا: هسته ارزشمند: وابسته پسین، صفت تو: وابسته پسین، مضاف الیه
- ۳- سجایا - جراحات - سالخوردگی - صحیفه
- ۴- مفعول: عشق مسند: موضوع

قلمرو ادبی

- ۱- نام تو را تلاوت کردم
- ۲- استعاره - تشخیص

قلمرو فکری

- ۱- سخن عشق با این که واحد است ولی هرگز تکراری نمی شود.
- ۲- عشق جاودانی دل انسان را با وجود پیری جوان می سازد.
- ۳- الف
- ۴- سخن عشق هرگز کهنه نمی شود. حرف عشق با وجود قدیمی بودن همیشه تازه است. دوست داشتن ذکر است که هر روز باید به زبان آورد.

گروه زبان و ادبیات فارسی منطقه آبادان

اردیبهشت ۱۴۰۱